

## چالش های عاطفی خانواده و تأثیر آن بر بزهکاری (مطالعه ی میدانی کودکان حاضر در کانون اصلاح و تربیت استان کرمان)

### چکیده

توجه به وضعیت خاص و حساس کودکان، تأثیر فرهنگ درونی شده آنان بر روی رفتارهایشان در سنین بزرگسالی و این نکته که موفقیت در از بین بردن یا کاستن از میزان یک مشکل وابسته به شناخت علل موجد آن مشکل است، اهمیت انجام پژوهش حاضر بر کودکان حاضر در کانون اصلاح و تربیت استان کرمان را نمایان می سازد. بدین لحاظ پس از تبیین مفاهیم، انجام مصاحبه ی موردی با کودکان حاضر در کانون مذکور و تحلیل و بررسی داده های بدست آمده از نرم افزار SPSS نتایج ذیل حاصل گردید:

- ۱- به جز ۳ نفر از کودکان مذکور بقیه از اشکال مختلف شاهد اختلافات و درگیری والدین با یکدیگر بوده اند.
- ۲- به جز ۲۷ نفر از کودکان (حدود ۴۸ درصد) بقیه بیان کرده اند که والدینشان در حد مطلوب، به وضعیت عاطفی و روانی آنان توجه نمی کردند.

نتایج فوق، ضمن اثبات تأثیر مشکلات عاطفی بر بزهکاری کودکان مذکور، ضرورت توجه به تأثیر موصوف را بیش از پیش نمایان می سازد.

واژگان کلیدی : کودک، بزهکاری، کانون اصلاح و تربیت، مشکلات عاطفی

### مقدمه و بیان مسئله

با توجه به تأثیرات منفی فردی و اجتماعی ای که بزهکاری کودکان و نوجوانان در سراسر جامعه دارد و اهمیت مطالعه بزهکاری کودکان و نوجوانان در ایران به دلیل ساختار جمعیتی جوان آن و با در نظر گرفتن نگرش دین اسلام راجع به اهمیت حفظ شئون کودک و تنظیم قواعد رفتار با وی نتیجه می گیریم که باید با استفاده از دانش

های گوناگون، وضعیت کودکان متهم یا مجرم را بررسی و عوامل پدید آورنده جرم را شناسایی و راه حل های مناسب را جستجو و پیشنهاد کرد. رعایت این مسئله باعث می شود که با درک و شناختی صحیح بتوانیم واکنش مناسب و منطقی را به نحوی کارآمد در جهت پیشگیری از بزهکاری کودکان و جلوگیری از تبدیل شدن آنان به بزهکاران حرفه ای در سنین جوانی و بزرگسالی به عمل آوریم. علاوه بر مسائل فوق، استان کرمان با توجه به موقعیت جغرافیایی و بویژه به لحاظ قرار گرفتن در مسیر حمل و نقل مواد مخدر، شرایط خاص خود را دارد؛ لذا به لحاظ شرایط فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی ویژه، تأثیر مشکلات عاطفی خانواده بر بزهکاری کودکان حاضر در کانون اصلاح و تربیت این استان را از نزدیک مورد مطالعه میدانی قرار می دهیم تا علاوه بر این که به لحاظ نظری و کاربردی نسبت به علت شناسی بزهکاری اطفال در آن استان و ارائه راهکارهای پیشگیرانه به فعالیت می پردازیم، امر تحلیل و نتیجه گیری نیز بهتر امکان پذیر باشد. نکته قابل توجه در این مهم آن است که موفقیت در از بین بردن و یا کاستن از میزان یک مشکل، وابستگی شدیدی به شناخت عوامل موجه آن مشکل دارد. با درک و شناخت عوامل بوجود آورنده بزهکاری و انجام اقدامات عملی مناسب می توان زمینه های ارتکاب به آن را از بین برد. بخشی از علل فقدان موفقیت در مبارزه علیه جرم را در واقع باید به دلیل عدم کوشش در راه شناخت عوامل بوجود آورنده آن دانست. علی ایحال انجام چنین تحقیق میدانی ضروری است تا با شناخت تعدادی از علت های بزهکاری کودکان در استان کرمان بتوان راهکارهای کاربردی و پیشگیرانه مناسبی را ارائه کرد.

## کلیات و مفاهیم تحقیق

**بزهکاری:** بزهکاری در معنا و مفهوم لفظی عبارت است از ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد. (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۱۹۹) معادلک به لحاظ اصطلاح حقوقی معادل جرم (فعل یا ترک فعل پیش بینی شده در قانون) و بویژه در ارتباط با جرائم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان بکار می رود. (معظمی، پیشین: ۶۸-۶۹) از نظر جرم شناسان بزهکاری کودکان و نوجوانان شامل تمامی خطاهای عمومی می شود که از سوی افراد بین ۱۲ تا ۲۰ ساله ارتکاب می یابد. (معظمی، همان) جامعه شناسان به این مفهوم نگاه وسیعتری دارند و بر این باورند که این امر شامل تعداد زیادی از سرپیچی های مختلف از هنجارهای قانونی و اجتماعی از تخلفات کوچک گرفته تا جرائمشدیدی می شود که از سوی اطفال ارتکاب می یابد. (۲۰۰۳ world youth report,)

**کودک:** کودکی در لغت عبارت است از هر پسر و دختری که به نضج و رشد نرسیده باشد. به عبارت دیگر کودک یا طفل در لغت به انسان نابالغ گفته می شود (معظمی، ۱۳۸۹: ۵۱) لیکن به لحاظ اصطلاح حقوقی و بر اساس قوانین داخلی ایران (مستفاد از رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ: ۱۳۶۴/۱۰/۰۳ و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی) حد کودکی رسیدن به سن بلوغ یعنی ۱۵ سال تمام قمری برای پسر و ۹ سال تمام قمری برای دختر است مگر در خصوص اموالی که فرد قبل از بلوغ مالک شده است که در این حالت نیاز به اثبات رشد می باشد (عبادی، ۱۳۸۷: ۱۲) البته گروهی بر این باورند که اماره بلوغ (۹ سال تمام قمری برای دختر و ۱۵ سال تمام قمری برای پسر) تعقلی بوده و لذا شایسته است که تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی و به تبع

تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی را از جمله قواعد تکمیلی دانسته و در مواردی که خلاف آن احراز می گردد از آن عدول نماییم. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۷).

### تجزیه و تحلیل داده ها

در این قسمت داده های جمع آوری شده از مصاحبه های حضوری با پنجاه و شش کودک حاضر در کانون اصلاح و تربیت استان کرمان که مبتنی بر موضوعات مندرج در عنوان این پژوهش است، ارائه خواهد شد.

**مشکلات عاطفی:** وظیفه والدین تنها خوراک و پوشاک و مسکن نبوده بلکه ارتفاع احتیاجات عاطفی، اخلاقی و تربیتی را باید از مهمترین تعهدات طبیعی دیگر آن ها به حساب آورد. ایجاد یک محیط صمیمی، هماهنگ و دارای امنیت به کودک شخصیت و منش می دهد که به راحتی در برخورد با محیط خارج توان برابری و رفع معضلات را خواهد داشت. در محیط خانواده هر یک از والدین دارای وظایف و رسالت های خاصی می باشند. آنان اولین انسان هایی هستند که با کودک در تماس عاطفی و فیزیکی قرار داشته و به همین جهت در تکوین و تکامل شخصیت وی بسیار موثر می باشند. بدیهی است نقش مادر به مثابه اولین موجود خارجی که با طفل در تماس و ارتباط می باشد در تأمین احتیاجات مادی و معنوی وی بسیار حیاتی و ارزنده است. هر گونه کمبود و سهل انگاری خواه به دلیل جدایی مادر یا فوت او، خواه به علت سختگیری و سردی و یا بی توجهی و ... در کودک نوعی حس محرومیت از عواطف مادری ایجاد می کند. (نجفی توانا، ۱۳۸۲: ۷۷ و ۷۸) در این قسمت با در نظر گرفتن مطالب مذکور، مشکلات عاطفی که بر بزهکاری کودکان موثرند را به صورت مجزا مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### افراط در توجه و محبت: محبت بیش از اندازه و بی تفاوتی والدین از نقایص تربیتی محسوب می شود.

تأثیر بی تفاوتی و اغماض بیش از حد نسبت به اشتباهات و عیوب رفتاری، کودک را فردی مغرور، خودسر و خود پسند بار آورده و موجب تضعیف قدرت مقاومت وی در برخورد با مشکلات و سختی های زندگی می گردد. چنین موجودی در اولین برخورد با مسائل و معضلات عادی و عدم موفقیت در حل و رفع آن ها به شدت سرخورده شده و احساس مظلومیت و تعدی می نماید. این گونه افراد به علت سرزنش نشدن در مقابل اشتباهات و کارهای ناپسند، حد و مرز بین کارهای درست و نادرست را تمیز نمی دهند. (نجفی توانا، همان: ۸۳) از جمله این افراد، کودکان خانواده های مرفه و ثروتمند هستند که تمام خواسته های آنان فوری فراهم می شود، در بهترین مدارس تحصیل می کنند و از تمام امکانات رفاهی و تفریحی برخوردار هستند، توقع دارند که تمام امور در اجتماع نیز وقف میل و مرام آنان انجام گیرد، عدم رعایت قوانین و مقررات را فخر و مباهات می دانند و بر غرور خود می بالند. (دانش، ۱۳۸۵: ۶) در این خصوص حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند: «بدترین والدین، آن هایی هستند که در محبت ورزیدن به فرزندانشان، از حد اعتدال گذشته و زیاده روی می نمایند.» (شا مبیاتی، پیشین: ۲۱۵).

**خشونت و تند خوئی:** تند رویی و خشونت در تربیت و کیفیت شکل گیری روحیه و منش کودک، بالاخص بعد از دوران طفولیت و سال های قبل از بلوغ اثرات بسیار منفی باقی گذاشته و در سنین بالا نیز حس سادت، خصومت و خشونت نسبت به دیگران را تقویت می نماید. وی موجودی منفعل، فاقد ابتکار، ترسو و ضعیف النفس بوده و به علت عدم ترضیه نیازهای عاطفی در کانون خانواده سعی در ارضاء آن ها در سایر محیط ها مانند کوچه، مدرسه، گروه دوستان و غیره می نماید. (نجفی توانا، پیشین: ۸۰) کودک محبت یاب است، از همان بدو تولد محبت یابی می کند، به همان شکلی که جسم او نیازمند غذا می باشد، روح او نیز غذا می خواهد و غذای روی او محبت دیدن است. اگر این نیاز کودک مرتفع نگردد و با خشونت و تندخویی با وی برخورد شود این سبب ایجاد عقده در کودک می گردد. (مظاهری، ۱۳۸۸: ۱۲۷) در زمینه رفتار با کودک در خانواده مطالعات متعددی نشان می دهد که خشونت در خانواده از عوامل تعیین کننده در سوق دادن کودک به سمت بزهکاری است از جمله پژوهش پینرو که بیان می دارد سالانه به طور متوسط ۱۳۳ تا ۲۷۵ میلیون کودک در جهان شاهد خشونت خانگی هستند که این امر می تواند به شدت بر سلامت، رشد، شخصیت و تعامل اجتماعی کودک در بزرگسالی تاثیر بگذارد. (pinroo, ۲۰۰۶: ۳۲۸) به جهت تأثیرات منفی فراوانی که در رفتار خشونت آمیز با کودکان دارد، مواد مختلفی در پیمان نامه حقوق کودک، اقدامات خشونت آمیز نسبت به کودکان را منع کرده اند. از جمله این مواد عبارت است از:

۱- صدر بند الف ماده ۳۷ پیمان نامه که مقرر می دارد: «کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که: الف - هیچ کودکی مورد شکنجه یا سایر رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز قرار نگیرد...» (صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران، ۱۳۸۷: ۴۵).

۲- بند یک ماده ۱۹ پیمان نامه که بیان می کند:

«کشورهای عضو کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی توجهی یا رفتار توأم با سهل انگاری، سوء رفتار یا بهره کشی از جمله سوء استفاده جنسی در حین مراقبت توسط والد (یا والدین)، سرپرست (یا سرپرستان) قانونی یا هر شخص دیگری که عهده دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند» (صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران، همان، ۲۹).

وقتی کودکان با رفتار خشونت آمیز والدین مواجه شوند، محیط خانواده را مکانی امن و آرام نمی یابند و رو به دوستان و گروه های همسال می آورند که اعضای آن عمدتاً از نظر سن و جنس یکسان و با مشکلات مشابه باشند. فرد با عضویت در آن گروه در کنش متقابل با دیگر اعضا قرار می گیرد و با ایفای نقش از پیش تعیین شده خود از حمایت گروه برخوردار می شود. این گروه ها نقش بسیار مهمی در جامعه پذیری معکوس نوجوانان دارند. نکته جالب آنکه هر چقدر ارزش ها و اعتقادات این گروه ها با ارزش ها و فرهنگ های جامعه بیشتر در تعارض و تناقض باشد، شکاف بین اعضا و هنجارهای جامعه بیشتر می شود. نوجوانان به علت نیاز به برقراری روابط اجتماعی خاص با دیگران و نیاز به توجه و باور کردنشان و مورد تحسین قرار دادن و همچنین احترام گذاشتن به خواسته های آن ها علی الخصوص در سن بلوغ و خودنمایی در مقابل جنس مخالف، در جایی که مدرسه و خانواده نتوانسته اند این نیازها را ارضاء کنند جذب گروه های همسال می شوند (مهاجرین، ۱۳۸۷: ۸۴ و ۸۵).

**کمبود ابراز محبت:** چنانچه کودک در اولین سال های زندگی، از برخورداری محبت محروم بماند، هسته اصلی و اساسی عصبانیت و بیماری های روانی در وی تکوین می یابد که بعد ها در بزرگسالی منشاء خیلی از درگیری های عاطفی و اضطراب عمیق فرد می شود. کمبود محبت غالباً یکی از عوامل بسیار قوی است که اطفال و نوجوانان را به سوی ارتکاب بزهکاری سوق می دهد. گاهی دیده شده که بعضی از کودکان بر اثر بی توجهی و بی مهری والدین خود به راه سرقت و زورگویی و کتک زدن دیگران کشیده شده اند. علت این امر نیز بر اساس بررسی های بسیار روان شناسان و متخصصین اطفال عبارت است از اینکه بعضی از کودکان به علت اینکه در محیط خانواده مورد بی مهری و بی اعتنائی پدر و مادر خود قرار گرفته اند بالنتیجه به عنوان یک واکنش در مقابل این کمبود محبت شروع به سرقت و یا آزار و اذیت دیگران می کنند. در واقع این قبیل کودکان تشنه محبت بوده و چون از سرچشمه محبت اولیا سیراب نمی شوند، به عنوان انتقام و به خاطر جلب توجه اولیاء خود به ارتکاب چنین اعمالی دست می زنند. به عبارت دیگر، انگیزه ارتکاب جرم در کودکان مذکور همانا خودنمایی و میل به شناخته شدن و به حساب آمدن است. برای رفع این عادت ناشایست، هیچگونه تنبیه و تهدیدی هر چند سخت و شدید باشد موثر نخواهد شد، مگر اینکه پدر و مادر علت اصلی را یافته و طفل را مورد محبت و نوازش قرار دهند. (شا مبیاتی، پیشین: ۲۱۴-۲۱۱) کمبود ابراز محبت علاوه بر آثار مذکور، سبب خواهد شد که کودک با قبول عضویت در گروه، مورد حمایت، هدایت و ملاحظت قرار گیرد. اطفال و جوانانی که در خانواده خود مورد توجه نبوده اند و دائماً سرکوب و تحقیر شده اند با قبول عضویت در گروه و با ایفای نقشی در اجتماع اگر چه مجرمانه باشد، می خواهند شخصیت خود را بشناسانند. (دانش، پیشین: ۹۵) البته لازم به ذکر است که آن ها به لحاظ شرایط سنی، دنبال الگو و مدلی برای خود می گردند و در نتیجه احتمال جذب شدن در گروه های سنی بزرگتر که متشکل از افرادی است که بیشتر عمر خود را در معابر و گذرگاه ها گذرانده و همه نوع خلاف و خلافکار را دیده و تجربه کرده اند، بالا می رود. (دانش، همان: ۱۱۶).

#### جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت رسیدگی والدین به وضعیت عاطفی و روانی

##### قبل از ورود به کانون

درصد	فراوانی	رسیدگی والدین به وضعیت عاطفی و روانی
۲۵/۰	۱۴	اصلاً
۲۵/۰	۱۴	تا حدودی
۴۸/۲	۲۷	زیاد
۱/۸	۱	بدون پاسخ
۱۰۰	۵۶	جمع

داده های جدول فوق نشان می دهد که از میان ۵۶ کودک حاضر در کانون اصلاح و تربیت استان کرمان ۴۸/۲ درصد آنان رسیدگی والدین به وضعیت عاطفی و روانی خود را زیاد توصیف کرده اند و حدود ۵۱ درصد آنان بیان کرده اند که والدینشان یا اصلاً به وضعیت عاطفی و روانی آنان توجه نمی کردند و یا تا حدودی آن را مورد توجه قرار می داده اند و این در حالی است که بر اساس مبانی نظری پیش گفته، رسیدگی متعادل به وضعیت عاطفی و روانی کودک در پیشگیری از بزهکاری نقش بسزایی خواهد داشت.

### جدول شماره ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب رسیدگی والدین به وضعیت عاطفی و روانی

کودکان قبل از ورود به کانون بر اساس زندگی کردم پدر و مادر با هم

جمع	خیر	بله	زندگی کردن پدر و مادر با هم	
			رسیدگی والدین به وضعیت عاطفی و روانی	
۱۴	۷	۷	فراوانی	اصلاً
۲۵/۹	۵۳/۸	۱۷/۱	درصد	
۱۳	۳	۱۰	فراوانی	تا حدودی
۲۴/۱	۲۳/۱	۲۴/۴	درصد	
۲۷	۳	۲۴	فراوانی	زیاد
۵۰/۰	۲۳/۱	۵۸/۵	درصد	
۵۴	۱۳	۴۱	فراوانی	جمع
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	درصد	

داده های جدول شماره ۲ نشان می دهد که در بین ۱۳ کودکی که والدین آن ها به دلایل مختلف (طلاق، فوت و ... ) با هم زندگی نمی کنند تنها ۳ کودک هستند که رسیدگی والدین به وضعیت عاطفی و روانی خود را زیاد توصیف کرده اند. این در حالی است که از ۴۱ کودکی که پدر و مادر آنان با هم زندگی می کنند، ۲۴ نفر آنان رسیدگی والدین به وضعیت عاطفی و روانی خود را زیاد گزارش داده اند؛ لذا می توان چنین نتیجه گرفت که زندگی کردن پدر و مادر در کنار یکدیگر به میزان چشمگیری بر رسیدگی آنان به وضعیت عاطفی و روانی فرزندانشان تأثیر می گذارد.

### جدول شماره ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت رابطه پدر و مادر در خانه

درصد	فراوانی	رابطه پدر و مادر در خانه
۵/۴	۳	خوب بود
۷/۱	۴	بعضی اوقات با هم مشاجره لفظی داشتند

۱۹/۶	۱۱	علاوه بر مشاجره لفظی کتک کاری نیز در برخی اوقات داشتند
۶۴/۳	۳۶	همیشه با هم کتک کاری و بگو مگو داشتند
۳/۶	۲	بدون پاسخ
۱۰۰	۵۶	جمع

در جدول شماره ۳ وضعیت رابطه پدر و مادر در خانه توسط کودکان حاضر در کانون اصلاح و تربیت گزارش شده است. بر اساس داده های این جدول تنها ۳ نفر از کودکان (۵/۴ درصد) رابطه پدر و مادر خود را «خوب» گزارش کرده اند و اکثریت قریب به اتفاق آنان در خانواده ی رشد کرده اند که به درجات گوناگون خشونت در رابطه پدر و مادر آشکار بوده است. از جمله تبعات غیر قابل انکار خشونت موصوف، مخدوش کردن روح و روان کودکی است که مستقیماً شاهد جلوه های مادی آن اعم از مشاجره لفظی، برخورد فیزیکی و ... می باشد و این در حالی است که چنین برخوردهایی حتی زمانیکه کودک مستقیماً با آن روبرو نشده است، الزاماً در رفتارهای آتی والدین به ویژه مادر با وی اثر سوء خواهد گذاشت. نتایج مذکور یادآور این اصل مهم و مصرح در علم و شرع است که کودکان به عمل والدین توجه می کنند و از آن آموزش می بینند. از بین ۵۵ کودکی که به سؤال اگر جای یک پدر بودی چه می کردی که فرزندت به درس خواندن ادامه بدهد؟ حدود ۲۴ کودک، تشویق کردن، محبت ورزیدن و مهربانی کردن، رفتار خوب و رفع نیازها را به عنوان پاسخ ارائه کرده اند. همه ی این پاسخ ها به طور غیر مستقیم بیانگر مشکلات عاطفی و روانی (اعم از کمبود ابراز محبت یا خشونت) موجود در میان خانواده ی آنان است و تأثیر آن بر گرایش کودکان موصوف به سمت بزهکاری انکار ناپذیر می باشد.

#### جدول شماره ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب برخورد پدر و مادر نسبت به کار خلاف آنان

درصد	فراوانی	چگونگی برخورد پدر و مادر
۷۸/۵	۴۴	باز خواست کردن
۳/۵	۲	کتک زدن
۱۷/۸	۱۰	بی تفاوت بودن
۱۰۰/۰۰	۵۶	جمع

بر اساس داده های جدول شماره ۴ حدود ۲۱ درصد از کودکان حاضر در کانون چگونگی برخورد پدر و مادر نسبت به کار خطای خود را به شکل کتک زدن یا بی تفاوتی معرفی کرده اند که بیانگر مشکلات عاطفی درون خانواده آنان و اثر گذاری غیر قابل انکار آن بر بزهکاری کودکان مذکور می باشد. اگر چه رویکرد اصلی این پژوهش بررسی تأثیر مشکلات عاطفی خانواده کودکان مذکور بر بزهکاری آنان می باشد اما برای عینی کردن برخی آثار تأثیر محل بحث،

با طرح چند پرسش عینی، ویژگی خودباوری را در بعد وضعیت احساس مثبت نسبت به خویشتن بررسی کرده و نتایج آن را که موید آثار تأثیر عوامل پیش گفته است در جداول ۲-۱-۵ تا ۲-۱-۱۳ ارائه می نماییم.

**جدول شماره ۵- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجه نظرشان درباره این که**

«من به خودم نظر خوبی دارم»

درصد	فراوانی	وجه نظر
۲۸/۶	۱۶	تقریباً همیشه
۳۳/۹	۱۹	گاهی اوقات
۳۷/۵	۲۱	هیچ وقت
۱۰۰	۵۶	جمع

**جدول شماره ۶- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجه نظرشان درباره این که**

«اغلب خصوصیات خودم را دوست دارم»

درصد	فراوانی	وجه نظر
۱۶/۱	۹	تقریباً همیشه
۴۱/۱	۲۳	گاهی اوقات
۴۲/۹	۲۴	هیچ وقت
۱۰۰	۵۶	جمع

تنها ۱۶/۱ درصد از کودکان مذکور تقریباً همیشه خصوصیات خودشان را دوست دارند .

**جدول شماره ۷- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجه نظرشان درباره این که**

«از این که چنین آدمی هستم راضی ام»

درصد	فراوانی	وجه نظر
۳۰/۴	۱۷	تقریباً همیشه
۲۳/۲	۱۳	گاهی اوقات
۴۶/۴	۲۶	هیچ وقت
۱۰۰	۵۶	جمع

**جدول شماره ۸- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجه نظرشان درباره این که**

«من فرد جالبی هستم»



درصد	فراوانی	وجه نظر
۳۰/۴	۱۷	تقریباً همیشه
۳۷/۵	۲۱	گاهی اوقات
۳۲/۱	۱۸	هیچ وقت
۱۰۰	۵۶	جمع

جدول شماره ۹- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجه نظرشان درباره این که

«احساس درماندگی می کنم»

درصد	فراوانی	وجه نظر
۳۵/۷	۲۰	تقریباً همیشه
۳۷/۵	۲۱	گاهی اوقات
۲۶/۸	۱۵	هیچ وقت
۱۰۰	۵۶	جمع

جدول شماره ۱۰- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجه نظرشان درباره این که

«ای کاش فرد دیگری بودم»

درصد	فراوانی	وجه نظر
۴۸/۲	۲۷	تقریباً همیشه
۱۶/۱	۹	گاهی اوقات
۳۵/۷	۲۰	هیچ وقت
۱۰۰	۵۶	جمع

چنانچه داده های جدول شماره ۱۰- نشان می دهند حدود ۶۴ درصد از کودکان حاضر در کانون تقریباً همیشه یا گاهی اوقات دارای احساس «کاش فرد دیگری بودم» می باشند.

جدول شماره ۱۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وجه نظرشان درباره این که

«من آدم خوبی هستم»

درصد	فراوانی	وجه نظر
------	---------	---------

۱۶/۱	۹	تقریباً همیشه
۳۲/۱	۱۸	گاهی اوقات
۵۱/۸	۲۹	هیچ وقت
۱۰۰	۵۶	جمع

#### جدول شماره ۱۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب خودباوری

درصد	فراوانی	وجه نظر
۳۷/۵	۲۱	کم (۱-۹)
۳۲/۱	۱۸	متوسط (۱۰-۱۲)
۳۰/۴	۱۷	زیاد (۱۳-۱۷)
۱۰۰	۵۶	جمع

#### بحث و نتیجه گیری

داده های حاصل از مصاحبه با کودکان حاضر در کانون اصلاح و تربیت استان کرمان، ضمن اثبات تأثیر مشکلات عاطفی خانواده بر بزهکاری کودکان مذکور به ترتیب نشان می دهند که :

۱- به جز ۳ نفر از کودکان مذکور بقیه به اشکال مختلف شاهد اختلافات و درگیری های والدین با یکدیگر بوده اند.  
 ۲- به جز ۲۷ نفر از کودکان موصوف (حدود ۴۸ درصد) بقیه بیان کرده اند که والدینشان در حد مطلوب، به وضعیت عاطفی و روانی آنان توجه نمی کردند.

علاوه بر این داده های جدول شماره ۱-۲-۲ نیز مبین این نتیجه است که در بین ۱۳ کودکی که والدین آن ها به دلایل مختلف (طلاق، فوت و ...) با هم زندگی نمی کنند تنها ۳ کودک هستند که رسیدگی والدین به وضعیت عاطفی خود را زیاد توصیف کرده اند. این در حالی است که از بین ۴۱ کودکی که پدر و مادر آنان با هم زندگی می کنند، ۲۴ نفر آن ها رسیدگی والدین به وضعیت عاطفی خود را زیاد توصیف کرده اند؛ لذا نتیجه ی آشکار حاصل از داده های جدول فوق اشاره آن است که جدایی پدر و مادر از یکدیگر به میزان چشمگیری از موفقیت آنان در رسیدگی به وضعیت عاطفی و روانی فرزندشان می کاهد.

#### پیشنهادات

۱- افزایش آگاهی عمومی جامعه در زمینه های انتخاب همسر مناسب، پیامدهای ازدواج ناموفق و تأثیر گذاری نحوه برخورد زن و شوهر بر روی فرزندانشان از طریق برگزاری کارگاه های آموزشی قبل و بعد از ازدواج و سایر اقدامات مشابه

۲- اجرایی کردن راهکار خانواده جایگزین موضوع برخی مواد پیمان نامه حقوق کودک برای آن دسته از کودکانی که مهمترین عامل بزهکاری یا تکرار بزهکاری آنان محیط خانوادگی غیر قابل اصلاح است.

۳- حمایت سازماندهی شده‌ی حقوقی، مالی، عاطفی و اجتماعی از کودکانی که یک یا هر دو والدین خود را از دست داده اند به همراه نظارت مستمر بر اجرای آن

۴- به روز بودن اطلاعات سازمان های ذیصلاح در زمینه کودکان در معرض خطر (کودکانی که والدین آنها از یکدیگر جدا شده اند، کودکانی که یک یا هر دو والدین آن ها فوت کرده اند، کودکانی که یک یا هر دو والدین آنها معتاد به مواد مخدر می باشند و ...) و اختصاص دادن اعتبارات لازم به آن ها توسط مسئولین به منظور طراحی برنامه های حمایتی موثر و کارآمد با کمک متخصصین مربوطه و با هدف پیشگیری از بزهکاری کودکان مذکور است.

### منابع فارسی

- ۱- دانش، تاج زمان، (۱۳۸۵)، طفل بزهکار کیست- روش اصلاح و تربیت او چیست، چاپ اول، تهران، کیهان.
- ۲- شا مییاتی، هوشنگ، (۱۳۸۵)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات مجد و ژوبین.
- ۳- صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران، (۱۳۸۷)، پیمان نامه حقوق کودک، چاپ سوم، تهران، امیر کبیر.
- ۴- عبادی، شیرین، (۱۳۸۷)، حقوق کودک (نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران/ متن کامل کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ و اعلامیه اجلاس جهانی سران دولت ها برای کودکان ۱۹۹۰)، چاپ هفتم، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ۵- مرعشی شوشتری، سید محمدحسین، (۱۳۷۶)، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، جلد اول، چاپ دوم، تهران، میزان.
- ۶- مظاهری، حسین، (۱۳۸۸)، تربیت فرزند از نظر اسلام، تهران، چاپ و نشر بین الملل.
- ۷- معظمی، شهلا، (۱۳۸۹)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، دادگستر.
- ۸- مهاجرین، رضا، (۱۳۸۷)، تأثیر حاشیه نشینی بر میزان بزهکاری در کلان شهرها، تهران، جنگل.
- ۹- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی، (۱۳۷۷)، دانشنامه‌ی جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰- نجفی توانا، علی، (۱۳۸۲)، نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیدگاه جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات راه تربیت.

### منابع لاتین

- ۱-World youth, report: ۲۰۰۳, adopted and proclaimed by General Assembly resolution ۴۵/۱۱۲ of ۱۴ December (۱۹۹۰)
- ۲-Pinroo, Paolo serjio, ۲۰۰۶, report of the un independent Expert for study on violence against children presented at the sixty- first session of the un General Assembly

## **Emotional challenges of family and its impact on crime (field study of children in the juvenile institution of Kerman province)**

**p.h.d seyed mahmomod mirkhalili**

**p.h.d seyed siyamak zande razavi**

**hossein pormahyabadi**

### **Abstract**

Attention to the children particular and sensitive situation, the impact their internalized culture on their behavior as adults and this point that the success rate in the eliminate or reduce of apair of a problem associated with knowledge of existing causes, important present study on present children in the juvenile institution of Kerman province exposes. Thus after explaining the concepts, case interviews whit the children at the association and obtained data analysis and study of spss software, the following results were obtained:

a-Except for tree individuals of the children the rest of various forms witness have been disputes and conflicts between parents.

b-Except for twenty seventh individuals of the children (about forty eighth percent) other states have that the parents as well as their emotional and mental status did not matter.

These results, demonstrating the impact of emotional problems on the children delinquency and necessity of attention to the described impact more than ever before indicates.

**Key words: Child, delinquency, juvenile institution, emotional problems**